



روش جدید تحقیق در ایران

(۲)

از آنجا که تاسیس چاپخانه و تعلیم مبادی نظام جدید و اجرای برخی از اصول و مقررات مربوط به جنگ و صلح و اعزام محصل بخارج برای کسب علوم و فنون از شهر تبریز آغاز شده بود قاعدتاً بایستی تحول در شکل بحث و تحقیق هم از آنجا شروع شده باشد ولی پس از آنکه دارالفنون در طهران مفتوح شد و معلمان اطریشی برای تعهد کار تعلیم بدانجا درآمدند و شاگردان اعزامی سابق که به زبان دانش غربی سابقه معرفتی یافته بودند بدستکاری ایشان منصوب شدند و روزنامه رسمی دولتی در پایتخت انتشار یافت که صفحات آن احتیاج به مواد خبری و انشائی داشت و کارهای این مدرسه و روزنامه در دایره‌ای به نام وزارت علوم گرد آمد و زیر نظر مراقبت و مسئولیت علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه قرار گرفت، این شاهزاده که طبع شعری داشت با تخلص عبقری و ذوق ریاضی او هم ملاعلی محمد منجم را از اصفهان به خدمت او آورده بود، مجمعی از شعرا و فضلا و علما فراهم آورد و به بحث و تحقیق در شعر و شعرا و مسائل نجومی و ریاضی و نقل برخی از معارف غربی همت گماشتند. روزنامه وقایع اتفاقیه را به سه روزنامه دولت علیه ایران و روزنامه ملتی و روزنامه علمیه دولت علیه ایران تقسیم کرد و اوراق این دوروزنامه اخیر را به نقل مباحث ادبی و علمی اختصاص داد.

برای کار تحقیق ادبی راهنمای آشنا با اسلوب و مبانی تحقیق جدید در اختیار نداشتند

* آقای استاد محیط طباطبائی . از محققان و پژوهندگان طراز اول کشور

لذا بهمان روش تالیف دولتشاه و آذر و هدایت که در دسترس خود داشتند به طرح احوال و تراجم و نقل اشعار پرداختند. منتهی در نقل اشعار، تصحیحی بر حسب ذوق و ادراک خود بکار میبردند ولی موضوع مراجعه به مدارک و مآخذ تازه و کهنه مورد عمل نبود. و در مقابل انتقادی که احياناً از کار ایشان میشد به نقل نقد و جواب رد نمیپرداختند بلکه به اشاره یا گله‌ای از کم توجهی دیگران اکتفا میورزیدند در صورتیکه برخی از این نقدها قابل چاپ و طرح بود. نمونه‌ای از آنها که کلنل میرزا فتحعلی آخوندوف سرترجمان نایب‌السلطنه روسیه در قفقاز با نظری آشنا به ادبیات جدید روس نگاشته بود در دست است و نشان میدهد که این عرض مسائل ادبی و علمی بر عموم پایه‌های جلب توجه عامه را به صحت و سقم مطالب منقول و فتح باب حقیقت جوئی بر زمین می‌نهاده است. با همه نقایص و معایبی که در مندرجات این دو روزنامه به چشم می‌رسید طلیعه تمایل به کار تحقیقی محسوب میشد. بازگشت تدریجی محصلین اعزامی از فرانسه که در این فاصله زمانی صورت می‌گرفت بر تعداد عوامل قابل استفاده در ادامه این کار می‌افزود. محمدحسن پسر حاجب الدوله پیشخدمت شاه که زبان فرانسه را در مأموریت سفارت میرزا حسن علی‌خان در پاریس آموخته بود در موقعیکه میرزا حسین خان سپهسالار به صدارت رسید کار روزنامه را از حوزه مسئولیت وزارت علوم ربود و بدان شکل و اسم تازه‌ای داد و نام ایران را برای روزنامه رسمی علم کرد و مقرر داشت هر سال سالنامه‌ای از وضع دربار و دولت و قشون انتشار دهد و کتابی را هم بدان سالنامه که چندان مفصل نبود بیفزاید نخستین ضمیمه این سالنامه، ترجمه‌ای از تاریخ ایران دو بو بود که در آن تصرفاتی بیش و کم شده بود و در حقیقت سالنامه را مضمم حوادث قرار میداد.

آری، این بار دوم بود که چشم و گوش پارسی‌زبانان با تاریخ ایران قدیم به شیوه غربی آشنا میشد. نخستین بار اسماعیل حیرت‌طهرانی معلم الفینستن کالج بمبائی این وظیفه را با ترجمه تاریخ ایران سرجان مالکم صورت داده بود.

از راه این دو کتاب فضلی ایران دریافتند که حوادث و وقایع منقول در اسناد فارسی و عربی به نیازمندیهای تاریخ ایران قبل از اسلام وفا نمیکند و در صدد ترجمه و تحریر جدید متون فرنگی مربوط به تاریخ ایران برآمدند.

اعضاد السلطنه بعد از آنکه روزنامه رسمی را از دست داد انجمن تالیف دانشوران را تأسیس کرد و در آن عده‌ای از فضلی زبردست روز را شرکت داد که در آن میان شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی از حیث سلیقه و ذوق تحقیق صاحب استعداد خاصی بود. با وجود کار انجمن دانشوران اینان تحت تأثیر کتابهای وفيات الاعیان و طبقات الاطبا و تاریخ الحکما

بیش از هراتر تحقیقی جدیدی درآمده بودند. تنها چند جزء حرف س و شین از آن مجموعه که بعدها انتشار یافت از روح تحقیق بیش از جزء اول و دوم برخوردار یافته بود. پس از مرگ اعضا دالسلطنه، مخبرالدوله وزارت علوم را به میراث برد و به نیرالملک برادر خود واگذار کرد. محمدحسن خان مزبور هم انجمن تألیف را به کار خود متصل نمود کارهای زیر نظر او بتدریج جنبه تحقیق و متبع بیشتری سهم میبرد و در ترجمه تاریخ اشکانیان از انگلیسی جلد اول که روایات شرقی را نقل و بحث و جرح و تعدیل میکند کارهای مولفانی محسوب میشود که از وزارت علوم به خدمت انطباعات درآمده بودند. اصرار محمد حسن خان در اینکه هر کاری را هیأت مولفان و مترجمان صورت میدادند به نام خود منسوب و مطبوع و منتشر سازد و ادامه این وضع استثمار عقلی، در روحیه همکاران او اثر نامطلوبی بر جا گذارد و از ذوق و شوق لازم در کارهای فکری ایشان میکاست. این تنها شیخ مهدی قزوینی بود که فی الواقع جزء مکمل عقلی و علمی و ادبی اعتمادالسلطنه شده بود و کارها را بی شائبه به نام او تمام میکرد، اعتمادالسلطنه بعد از انتشار مآثر و آثار ناصری که در نوع خود اثری بی نظیر است در یادداشت‌های روزانه خسود او را مسئول همه مطالب کتاب معرفی میکند و خود را از تحمل هرگونه مسئولیتی مبرا میشناسد.

از هزارو سیصد هجری تا هزار و سیصد و بیست و اند کیفیت تحقیق در ایران از زمینه‌ای که اعتمادالسلطنه در روزنامه ملتی و انجمن دانشوران اختیار کرد و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه هم در ضمیمه‌های سالنامه دولتی عرضه داشته بود تجاوز نمی‌کرد. کارهایی که صورت میگرفت در دستگاه محمدحسن خان انباشته میشد و در انتظار اینکه اثری با آثار تازه به نام او انتشار بدهد خاکخورد میشد. این کارهای تحقیقی که بعد از مرگ اعتمادالسلطنه بصورت مجلداتی متعدد درآمده بود از اطاق اسناد به وزارت دارائی منتقل شد و برای کار تحقیقی خانم لمبتن در «زمین و زارع» سرمایه قابل ملاحظه‌ای بود در صورتیکه پیش از آن برای دیگری وسیله استفاده از آن فراهم نمی‌آمد.

مرحوم میرزا محمدعلیخان فروغی که در سالهای آخر عمر اعتمادالسلطنه و ناصرالدین شاه در انجمن تألیف و ترجمه با مرحوم میرزا محمدخان قزوینی به اعتبار سابقه خدمت پدران خود عضویت یافته بودند از طرز برخورد مسئول اول با کار دیگران سخت شکایت میکردند و بدو نسبت حسد به زبردست میدادند.

چنانکه ملاحظه فرمودید کار تحقیق در اسناد و مدارک به روش غربی پس از چهل سال سیر اداری و عنوانی و انعکاس آن در سی و اندی سالنامه سرانجام در مرحله‌ای متوقف شد که اختلاف وضع و کیفیت آن با نخستین مرحله‌اش چندان چشمگیر نبود و حالت

فسیلی را پیدا کرده بود. مرحله جدید و موثر اساسی در کار تتبع و تحقیق بعد از مسافرت میرزا محمد خان قزوینی به اروپا و آغاز همکاری او با پروفیسور برون معلم ادبیات زبان در کمبریج از خلال کارهای مشترک برون و قزوینی در انتشار متون ادبی و تاریخ باحواشی و تعلیقات مفید و مقدمه‌های فاضلانه در معرض مطالعه و استفاده و تاسی پارسی زبانان ایران و هند و عثمانی قرار گرفت.

این کارها که در سلسله اوقاف گیب تمرکز یافت در عثمانی حسین دانش و رضا توفیق را به ترجمه مشترکی از رباعیات منسوب به خیام برانگیخت، اثری که از نظر شکلی محققانه ولی از نظر موضوعی احتیاج به تجدید نظرها داشت چه مبانی اصول متخذه بر مسلمانی نهاده شده بود که قابل رد یا تردید بودند.

در هندوستان الطاف حسین حالی و محمد حسین آزاد و شبلی نعمان و سپس پروفیسور محمود خان شیروانی و سید سلیمان ندوی و نظام الدین محمد و پروفیسور محمد شفیع و سید کلیم الله قاری و زبیر صدیقی را به تطبیق این شیوه بحث و تتبع در مولفات خود راهنمایی کرد.

تأثیر کار مستر برون و میرزا محمد خان قزوینی در ایران به میزان قابل ملاحظه‌ای در روش بحث و تحقیق و تعلیقه نگاری و حاشیه نویسی و تنظیم مقاله‌ها و رساله‌ها اثر برجسته گذاشت. نخستین کسی که این اسلوب را در مجله کاوه، چاپ برلن بصورت کامل تطبیق کرد سید حسن تقی‌زاده سیاستمدار مقیم آلمان بود. تقی‌زاده در تبریز از بقایای مکتب ادبی دوران حسنعلی خان گروسی که به تشویق فضلا پرداخت مایه فکری و روحی اندرخته بود و با اعتصام‌الملک و سید حسین عدالت و میرزا محمدعلی خان مدیر کتابفروشی تربیت حلقه بحث و تحریر و انتشاری در زیر نام گنجینه فنون ایجاد کرده بودند ولی از آغاز مشروطه تا قتل سید عبدالله بهبهانی وارد کار سیاست شد و از آن بی‌بعد ناگزیر از توقف در خارج ایران بود از اجتماع هیأتی از مهاجرین ایرانی در برلن، مجمع بحث و تحقیقی بوجود آورد که جمال‌زاده و پورداد و تربیت از برآمدگان آن مجمع معروف شدند و مرحوم قزوینی پس از جنگ به پاریس رفت و همکاری با اوقاف گیب را تجدید کرد و ادامه داد. تقی‌زاده کاوه را که به غرض سیاسی تأسیس کرده بود بعد از جنگ جهانی اول به مجله تحقیقی تبدیل نمود و خود در آن با استفاده از تاریخ ادبیات برون و حماسه نولدکه و مراجعه به اصول مأخذ و منابع، سلسله مقالات شاهنامه و فردوسی را در دوره دوم بتدریج انتشار داد. این اثر تقی‌زاده که با کار برون و میرزا محمد خان بی ارتباط نبود خود یک نمونه مستقل و معتبری برای تطبیق روش جدید در تحقیق محسوب می‌شود.

مرحوم عباس اقبال در برآمدگان مدارس طهران بیش از هر فرد همعصر خود در اقتباس و تطبیق این روش بر کارهای تحریر خود توفیق یافت مقالات تاریخ ادبیات ایران و اقتباسی از برون در ترجمه فارسی سلطان محمدخان بود ولی در مقالات دیگری که در کاوه و اصول تعلیمات و ایرانشهر نوشت و رسالات قابوس و ابن مقفع به تتبع این روش پرداخت. در حقیقت مکتب کاوه و برون و قزوینی تا تشکیل کنگره فردوسی در تهران سه پایه دستگاه تحقیق برای نسل فاضل و حقیقتدوست ایران محسوب میشدند. کنگره فردوسی که ما را در طهران با معاریف خاور شناسان آلمان و روس و فرانسه و انگلیس در زیر یک سقف برای یک هفته جمع آورد و کارهای ایشان را بردست و زبان ایشان از نزدیک دیدیم و شنیدیم در کیفیت تاسی به مکتب غربی تحولی پدید آورد. برای برخی از جوانان این اندیشه قوت گرفت که محقق غربی هم خود انسانی مانند گذشتگان خطا پذیر و در مظنه اشتباه است و باید از اشخاص به موضوعات پرداخت و گفته‌ها را بدون توجه به گوینده سنجید و پذیرفت. و یا نپذیرفت.

۱۳۵۴ ر ۵ ر ۳۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نعمت منعم و محنت مناس

طبیعت انسان همه جمیل سرشتی	بار خدا یا اگر ز روی خدایی
مایه خوبی چه بود و علت زشتی؟	طلعت رومی و چهره حبشی را
همچو دل دوزخی و جان بهشتی؟	چهره هندو و روی روم چرا شد
چون همه را داده و مشاطه تو گشتی	چيست خلاف اندر آفرینش عالم
برگرهی خربط و خسیس بهشتی	گیرم دنیا ، ز بی محلی دنیا
محنت مفلس چراست گشتی گشتی؟	نعمت منعم چراست دریا دریا؟
عابد محرابی و کشیش کنشتی؟	از چه سعید و افتاد و از چه شقی شد

منسوب بحکیم ناصر خسرو قبادیانی